



RESEARCH ARTICLE

## Educational Justice in the Light of the Law on the Establishment and Administration of non-Governmental Schools and Educational Centers


Mitra Rahenejat<sup>1\*</sup>, Mohammad Hossein Negarestany<sup>2</sup>

1. Assistant professor of law and political science department in Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

\* Corresponding Author's Email: [mitrasahnejat@yahoo.com](mailto:mitrasahnejat@yahoo.com)

2. Master of Public Policy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Email: [mnegarestany@gmail.com](mailto:mnegarestany@gmail.com)

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97825>

Received: 3 January 2024

Accepted: 5 February 2024

### ABSTRACT

Considering the importance of educational justice and the approval of the law "Establishment and Administration of Non-Governmental Schools and Educational Centers" in Iran, the question arises as to what effect the law on the establishment and administration of non-governmental schools and educational centers has on the realization of educational justice? In response to the above question, first, using the documentary method, educational justice was indexed according to Rawls, second, the city of Kerman was selected as a study sample, and using a questionnaire, the main indicators of educational justice in non-government schools were compared. It was investigated with the public schools of this city, third, the results of the second step were analyzed with semi-structured interviews with experts of education department of this city. Although the implementation of the aforementioned law helps to develop educational justice, other needs of Kerman public schools are ignored, and this law is only a one-dimensional view of educational justice.

**Keywords:** Educational Justice, Rawls, Government Schools, non-Government Schools, Kerman.

**Citation:** Rahenejat, Mitra; Negarestany, Mohammad Hossein (2024). Educational Justice in the Light of the Law on the Establishment and Administration of non-Governmental Schools and Educational Centers Approved in 2015. *Iranian Journal of Public Policy*, 10 (1), 143-157.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97825>

Published by University of Tehran.



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



## مقاله پژوهشی

# بررسی عدالت آموزشی در پرتو قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی

میترا راه نجات\*<sup>1</sup>، محمد حسین نگارستانی<sup>2</sup>

۱. استادیار گروه اقتصاد سیاسی و سیاستگذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
\* رایانامه نویسنده مسئول: [mitrasahnejat@yahoo.com](mailto:mitrasahnejat@yahoo.com)

۲. کارشناس ارشد سیاستگذاری عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
رایانامه: [mnegarestany@gmail.com](mailto:mnegarestany@gmail.com)

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97825>

تاریخ دریافت: ۱۳ دی ۱۴۰۲  
تاریخ پذیرش: ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

## چکیده

عدالت آموزشی از آن جهت که به برابری فرصت در جامعه مرتبط است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در جوامعی که درآمد، ثروت و موقعیت اجتماعی به صورت نابرابر توزیع شده‌اند، آموزش روشی برای غلبه بر این نابرابری‌ها است. در حالی که اصل ۳۰ قانون اساسی بر آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه تأکید دارد، قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی، اجازه تأسیس مدارس را می‌دهد که شرایط آموزشی متفاوتی را ایجاد می‌کنند. هدف اصلی این مقاله، سنجش نگرش ذی‌نفعان نظام آموزشی به تأثیر قانون تأسیس و اداره مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی مصوب ۱۳۹۵ بر تحقق عدالت آموزشی است. برای تحقق هدف فوق درگام اول با استفاده از روش اسنادی، عدالت آموزشی از نگاه جان رالز شاخص‌سازی شد و در گام دوم شهر کرمان به عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب و با استفاده از پرسشنامه، شاخص‌های اصلی عدالت آموزشی در مدارس غیردولتی در مقایسه با مدارس دولتی این شهر مورد بررسی قرار گرفت. در گام سوم، نتایج یافته‌های گام دوم با روش مصاحبه نیمه‌ساختمند مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که اگرچه ذی‌نفعان آموزش غیردولتی باور داشتند که اجرای قانون مذکور به توسعه عدالت آموزشی در سطح شهر کمک زیادی می‌کند اما در عین حال سایر نیازهای مدارس دولتی کرمان نادیده گرفته می‌شود و در نتیجه قانون یادشده به عدالت آموزشی، صرفاً نگاهی تک‌بعدی دارد.

**واژگان کلیدی:** عدالت آموزشی، مدارس دولتی، مدارس غیردولتی، کرمان.

**استناد:** راه نجات، میترا؛ نگارستانی، محمد حسین (۱۴۰۳). بررسی عدالت آموزشی در پرتو قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی. فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۱۰ (۱)، ۱۵۷-۱۴۳.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97825>

ناشر: دانشگاه تهران.

## مقدمه

عدالت آموزشی به معنای برابری در آموزش و فرصت‌های آموزشی است که می‌تواند تحت شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه تغییر کند. یکی از معتبرترین دیدگاه‌ها در زمینه عدالت آموزشی متعلق به جان رالز است که در کتاب «نظریه عدالت» مطرح ساخته است. دیدگاه رالز در زمینه عدالت در عرصه آموزش بر سه اصل است: الف) برابری در منابع فیزیکی (ب) برابری در روابط اساسی میان معلم و دانش‌آموز (ج) برابری در منابع درسی. در حالی که اصل سی‌ام قانون اساسی ایران، رایگان بودن آموزش همگانی اشاره دارد، در سال ۱۳۶۷ قانون «تأسیس مدارس غیرانتفاعی» توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد که هدفش توسعه مشارکت مردمی در امر آموزش و همراهی با دولت در تأمین آموزش رایگان بود که در سال ۱۳۹۵ تحت عنوان قانون «تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی» اصلاح و به تصویب مجلس رسید که بر اساس آن مدارس غیرانتفاعی، رسماً نام غیردولتی گرفتند. این قانون که مهر تأییدی بر مشروعیت سیستم آموزشی غیردولتی یا خصوصی است محور تحقیق حاضر قرار گرفته است. این مقاله با استفاده از روش مثلث‌سازی با جمع‌آوری داده‌ها درصدد برآمده است به این سوال پاسخ دهد که قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی چه تأثیری بر تحقق عدالت آموزشی دارد؟ اگرچه مطالب بسیاری در باب عدالت و عدالت آموزشی یا حتی عدالت آموزشی در ایران به رشته نگارش در آمده است ولی هیچ منبعی در خصوص مطالعه تأثیر قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی بر عدالت آموزشی به رشته تحریر در نیامده است و لذا نقطه قوت این تحقیق تلاش برای درک رابطه این سیاست‌گذاری با عدالت آموزشی در ایران امروز است.

## عدالت از نگاه رالز

در باب عدالت دو نگاه نظری وجود دارد: نگاه اول ریشه در آرای فیلسوفان فایده‌گرا، همچون دیوید هیوم دارد که معتقدند عدالت مبنای عقلانی ندارد و ریشه اصلی آن در منافع فردی است. منافع فردی و منفعت‌طلبی، انگیزه اصلی تثبیت عدالت است که با نوعی همدلی نسبت به منافع عمومی همراه می‌شود و این احساس همدلی منجر به تأیید اخلاقی عدالت می‌گردد. در اینجا، منظور از منافع، منافع متقابل افراد است که منجر به برقراری عدالت و وضع قوانین می‌شود و نیز حوزه عدالت محدود به مقوله مالکیت است (Vaezi, 2005: 38-41). نگاه دوم به اشاره به بی‌طرفی افراد دارد. این نگاه علاوه بر اصول اخلاقی، مبتنی بر مبنای عقلانی نیز است. عدالت مبتنی بر اصولی عقلانی و اخلاقی و بر مبنای توافقی میات افراد است که در جامعه جاری می‌شود. این دیدگاه بر مبنای نگاه غایت‌گرایانه کانتی است و لازمه تحقق آن چشم‌پوشی از صفات اکتسابی و انتسابی برای تحقق عدالت است (Bashiriye, 2019: 149). جان رالز در نظریه خود تحت عنوان «عدالت به مثابه انصاف» عدالت را حالتی قراردادی و به دور از منفعت‌گرایی توصیف می‌کند. وی تلاش می‌کند با کنار هم قراردادن آزادی و عدالت از نگاه فایده‌گرایانه فاصله بگیرد تا ترکیبی مبتنی بر دموکراسی مالکیت‌محور و نهادهای اجتماعی عادلانه (منصفانه) ایجاد نماید (Afrogh, 2003: 116). جان رالز نظریه عدالت خود را در حوزه تنظیم نهادهای اجتماعی و اقتصادی محدود کرده است (Naderan and Nemati, 2012) و در مقاله «عدالت به مثابه انصاف» بیان می‌کند مفهوم عدالت مدنظرش عمدتاً در سطح نهادهای اجتماعی جامعه جریان دارد و برای همین باید در همین سطح تحلیل نیز باقی بماند (Rawls; 2000: 164). رالز بعدها در کتاب نظریه عدالت، مفهوم «ساختار بنیادین جامعه» را مطرح می‌سازد که شیوه توزیع حقوق و تکالیف اساسی و تعیین تقسیم دستاوردهای حاصل از همکاری‌های اجتماعی از سوی

نهادهای کلان اجتماعی است و منظور از این نهادهای کلان، ترتیبات اجتماعی- اقتصادی و حقوق اساسی سیاسی است (Rawls, 2008: 36-40). «عدالت به مثابه انصاف» از نظر رالز یعنی بر مبنای اصول اخلاقی افراد خردمند و آزاد در جامعه که دغدغه منافع بیشتر خود را دارند، در وضعی برابر، آن اصول را به منظور تعریف بنیادین اجتماع خود می‌پذیرند؛ در ادامه این اصول سایر توافقات را سازماندهی کرده و انواع همکاری‌های اجتماعی ممکن در این جامعه و اشکال حکومت متناسب با این اصول را مشخص می‌سازند و این‌گونه است که عدالت به مثابه انصاف در جامعه محقق می‌گردد (Rawls, 2008: 43). رالز برای تبیین شرایط تحقق عدالت به مثابه انصاف، از «وضع نخستین» نام می‌برد. وی در این مفهوم، از نظریه قرارداد اجتماعی روسو و هابز استفاده می‌نماید و آن را به گونه‌ای عام‌تر ارائه می‌نماید (Rawls, 2008: 43). در نظریه قرارداد اجتماعی، انسان‌ها در وضعی طبیعی قرار دارند و شرایط ناشی از این وضع، موجب شده است تا مردم به واسطه یک قرارداد، اندکی از اختیارات اجتماعی خود کم کنند و کنترل خود را در کل به نهادی تحت عنوان دولت بسپارند. دو اصل مهم عدالت از نگاه رالز عبارتند از: اصل اول، اهمیت توزیع برابر آزادی به صورت مشروع و گسترده در میان اعضای جامعه است. بر پایه این اصل، همه آزادی‌ها باید برابر باشند چرا که حقوق پایه شهروندان در یک جامعه عادل، یکسان است (Rawls, 2008: 122). اصل دوم، ناظر بر مقوله برابری و عدالت در زندگی اجتماعی و اقتصادی است. این اصل از دید رالز، زمانی محقق خواهد شد که «همه مشاغل در دسترس همگان باشند و مشروط به این شرط، ساماندهی نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به گونه‌ای باشد که به سود همگان باشد» (Rawls, 2008: 123). بر این مبنای رالز بیان می‌کند که سه عامل مهم آزادی، برابری و پاداش برای خدمات (که به جهت خیر عمومی اعمال می‌شوند) وجود دارند که در ترکیب با یکدیگر، دو اصل فوق را در عدالت شکل می‌دهند (Rawls, 2000: 165). از نظر رالز انواع نابرابری‌های اجتماعی مثل فقر، فاصله طبقاتی و برخی نابرابری‌های طبیعی مثل اختلاف در استعدادها یا قدرت بدنی، به صورت کلی ناعادلانه به نظر می‌رسند و از لحاظ اخلاقی، هیچ‌کس نباید از جایگاهی بسیار بالاتر نسبت به بقیه افراد یا با دستی بالاتر نسبت به بقیه اعضای جامعه شروع به پیشرفت نماید. به همین جهت است که نظریه عدالت خود را عدالت به مثابه انصاف می‌نامد، یعنی عدالت در جامعه باید به گونه‌ای محقق گردد که هر فرد متناسب با توانایی‌های و محدودیت‌های خود بتواند به احقاق حقوق خود بپردازد و استعدادهای خود را از حالت بالقوه به حالت بالفعل برساند (Akhavan Kazemi and Veysi, 2011: 9).

### عدالت آموزشی در اندیشه جان رالز

اساسی‌ترین دلیلی که برای اهمیت به عدالت آموزشی وجود دارد کاملاً مرتبط با دلیل اهمیت برابری فرصت در جامعه به صورت کلی و عمومی است. آموزش راهی است که افراد را به موفقیت‌ها و پاداش‌های اجتماعی رهنمون سازد و نوع آموزشی که افراد در جامعه می‌بینند، تقریباً بر روی جایگاه اجتماعی آنها و موقعیت آنها برای دریافت پاداش‌های یاد شده تأثیر می‌گذارد (Brighouse & Swift, 2017: 15). تأملات رالز در زمینه آموزش، بیشتر حول نوع مناسب آموزش است و اینکه این آموزش عادلانه، بیشتر مناسب چه نوع جامعه‌ای است. نکته دیگری که در اندیشه وی درباره عدالت آموزشی وجود دارد، این است که وی مقوله آموزش را در قالب یکی از مؤلفه‌های جامعه‌پذیری مبتنی بر عدالت و یکی از نهادهای صرفاً تأثیرگذار مورد بررسی قرار داده است. آنچه که رالز در سیستم آموزشی مدنظر خود در عدالت به مثابه انصاف دنبال می‌کند، بررسی کارکرد آموزش در توسعه عدالت اجتماعی است؛ در واقع، وی سعی دارد این موضوع را بررسی کند که میزان توانمندی نظام آموزشی در تربیت و جامعه‌پذیری اعضای جامعه برای تحقق عدالت به چه میزان است. دو اصل عدالت مدنظر رالز نشان می‌دهد هر یک از نهادهای کلان اجتماعی، خود در حکم یک آموزگار هستند و با قوانین و اصول خود می‌توانند در جامعه‌پذیری و آموزش مردم در جهت رسیدن به عدالت کمک نمایند و اینکه تمام نهادهای کلان به دانش، مهارت و خلق و خوی مردم شکل و جهت می‌دهند؛ و نکته دیگر اینکه نهادهای تشکیل‌دهنده نهاد کلان آموزش، جایگاهی حیاتی در زندگی دموکراتیک خواهند داشت. اما کدام نهادها، مهم‌ترین نقش را در این امر دارند؟ خانواده و مدرسه به خاطر نقش مهمی که در بازتولید جامعه در قالب فرهنگ، دانش و مهارت‌ها دارند، مهم‌ترین نقش

را در آموزش عمومی بر عهده دارند (Stein, 2017: 75-76) از نگاه رالز تقریباً برای مردمی که آموزش با کیفیت ندیده‌اند، دسترسی مناسب به آزادی‌ها بدون داشتن جامعه‌پذیری و مهارت‌های کافی که نیازمند آموزش کافی طبقات پایین‌تر است، به سختی ممکن است؛ لذا منابع آموزشی باید به گونه‌ای توزیع شوند که دانش‌آموزان و افراد طبقات پایین‌تر جامعه بتوانند به مهارت‌های مورد نیاز زندگی اجتماعی و مهارت‌های لازم برای دستیابی به منافع سیاسی و اجتماعی به صورت عادلانه دسترسی پیدا کنند (Pijanowski, 2015). همچنین از آنجا که استعدادها به صورت تصادفی پخش می‌شوند و هیچ ربطی به آن وضع نخستین ندارد، آموزش تنها وسیله‌ای است که می‌تواند باعث کاهش نابرابری موجود در میان مردم شود به شرطی که به صورت عادلانه و منصفانه میان مردم توزیع گردد (Yar gholi and et al., 2012). در نگاه رالز، آموزش باید توانایی این امر را داشته باشد که موانع طبقاتی و فاصله طبقاتی را کاهش دهد چرا که مطابق اصل دوم، نابرابری امری تقریباً رسمیت یافته است و نابودشدنی نیست: «فرصت‌های کسب معرفت و مهارت‌ها نباید به جایگاه طبقاتی فرد بستگی داشته باشد. بنابراین نظام مدرسه، اعم از دولتی یا خصوصی، باید موانع طبقاتی را از بین ببرد.» (Rawls, 2008: 141). همچنین به نظر می‌رسد که برخی نابرابری‌ها اتفاقاً می‌توانند به نتایج بهتری در امر آموزش ختم شوند. در اندیشه رالز، برخی نابرابری‌ها مانند استعداد، اجتناب ناپذیرند و به صورت تصادفی یا به قول رالز، در قالب یک لاتاری پخش و تقسیم شده‌اند. وی معتقد است که در زمینه اصل دوم، اگر نظام آموزشی بتواند استعدادها را برتر در زمینه‌های مختلف را شناسایی کرده و آنها را به درستی تربیت نماید، آن وقت است که این استعدادها برتر می‌توانند در جایگاه‌های مختلف زندگی اجتماعی وارد شده و با تصمیمات و اقدامات درست، زندگی افراد سطح پایین را نیز به درستی و به خوبی تأمین نمایند و این گونه است که هر استعدادی به صورت منصفانه به جایگاه حقیقی خود منتقل شده و انصاف در آموزش نیز رعایت می‌گردد (Beattie; 1982: 41-42). با توجه به اینکه رالز بر این باور است عدالت می‌بایست به صورت حداقلی در جامعه پیاده شود و سپس به شکل حداکثری در جامعه گسترش یابد، می‌توان سه اصل عدالت آموزشی را از اندیشه وی استخراج کرد (Pavie et al; 2021: 111-127): الف) برابری در منابع فیزیکی: منابع آموزشی صرفاً نباید به دلیل بازدهی مناسب یا همان کیفیت، توزیع گردند؛ چرا که به نظر می‌رسد توجه کیفی به تخصیص منابع آموزشی، باعث کاهش عدالت توزیعی در میان مردم می‌گردد. برای همین است که وی بهترین منابع و امکانات را به صورت برابر برای همه مردم جامعه می‌خواهد و هدف آموزش نیز باید بکارگیری همه امکانات برای غنابخشیدن به زندگی همه مردم، خصوصاً طبقات نابرابر باشد. ب) برابری در روابط اساسی: وقتی درباره روابط اساسی بحث می‌شود، منظور نحوه تربیت‌شدن دانش‌آموزان و همچنین نحوه توجه معلمین به دانش‌آموزان، بهتر شخصی و استعدادها و رابطه شخصی با معلم است. در این زمینه، رالز معتقد است که در زمینه توجه معلمین به دانش‌آموزان، بهتر است که در عین توجه به دانش‌آموزان با استعداد در مدرسه، توجه بیشتری به دانش‌آموزان متعلق به طبقه نابرخوردار شود؛ چرا که در جامعه نیاز است تا همه افراد در سطوح مختلف دارای احساس بالارزش‌بودن شوند و البته کارکرد آموزش برای همه افراد جامعه، توانمندسازی آنهاست. ج) برابری در منابع درسی: در اندیشه رالز، رعایت برابری تا حد ممکن، یکی از رسالت‌های اصلی وی برای مقوله عدالت است و جایگاه اجتماعی افراد نباید منجر به این امر بشود که منابع و منافع موجود در جامعه به صورت نابرابر و طبقاتی عرضه شوند. وی معتقد است که فرصت‌های کسب معرفت و مهارت وسیله‌ای نیست که به صورت نابرابر در وهله اول توزیع شده و در وهله دوم نیز متعلق به طبقه‌ای خاص باشد؛ این فرصت‌های کسب معرفت و یادگیری و آموزش، متعلق به همه مردم در تمام طبقات اجتماعی است؛ به همین دلیل، وی بدین شکل بیان می‌دارد که نظام مدرسه، باید به گونه‌ای باشد که بتواند موانع طبقاتی را از بین برده و راه را برای سعادت فردی و جمعی نیز به صورت منصفانه تضمین کند. بر این مبنا، منابع درسی، مطابق موارد یادشده در اصل اول عدالت، به صورت گسترده و برابر برای همه عرضه شوند و نحوه تدریس آنها نیز باید به صورت منصفانه و برابر برای همه باشد و در این شکل است که همه افراد جامعه می‌توانند به صورت برابر از منابع درسی استفاده نمایند.

## قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی

قانون اساسی ایران به عنوان عالی‌ترین سند حکومتی طبق ماده ۳۰ آموزش و پرورش را امری رایگان و دولتی تعریف می‌کند. در سال ۱۳۸۹ سند نقشه جامع علمی کشور به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید که به عنوان دومین سند کلان در حوزه سیاستگذاری آموزشی در پنج فصل تنظیم شد. این سند که نگاهی کلی به اهداف کلان در زمینه توسعه علم و فناوری در چشم‌اندازهای پیش روی ج.ا. ایران دارد، به صورتی محدود به مقوله آموزش پایه یعنی تا دوران قبل از تحصیلات دانشگاهی یا عالی و به صورت کلان‌تر به مقوله آموزش عالی پرداخته است. این سند به صورت محدود به آموزش و پرورش پرداخته و مقوله خصوصی‌سازی را تا حدی مورد بررسی قرار داده است. سومین سند کلان حکومتی، سند تحول در نظام آموزش و پرورش است که در سال ۱۳۹۲ ابلاغ شده است. این سند ضمن تأکید بر کیفیت آموزش در ماده ۶ خود به اصلاح نظام اداری و آموزشی کشور می‌پردازد و به بخش غیردولتی و خصوصی اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد دغدغه اصلی این سند مطابق بند ۱ ماده ۶ تأمین منابع آموزشی، کاهش کمبودهای نظام آموزشی در تمام زمینه‌ها است و بخش خصوصی به عنوان مکمل و تأمین‌کننده منابع لازم توسعه آموزش و عسای دست دولت جهت تحقق آموزش رایگان دیده شده است. جدول ۱ دیدگاه اسناد کلان حکومت جمهوری اسلامی ایران نسبت به نظام آموزشی نشان می‌دهد.

جدول ۱. دیدگاه اسناد کلان حکومت جمهوری اسلامی ایران نسبت به نظام آموزشی

نام سند	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	نقشه جامع علمی کشور	سیاستهای کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش
هدف اصلی	اصلاح نظام آموزشی عمومی کشور در جهت تربیت شهروند طراز ایرانی اسلامی	تعیین افق مدنظر جمهوری اسلامی ایران در عرصه علم و فناوری	تحول در نظام آموزش و پرورش بر مبنای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی
کلیت ساختار نظام آموزشی	نظام آموزشی عادلانه تنظیم شده در جهت رسیدن دانش‌آموزان به حیات طیبه	نظام آموزشی عادلانه و گسترده همراه با تقویت خلاقیت و روحیه آزاد اندیشی	نظام آموزشی طراحی شده بر مبنای فلسفه تربیت اسلامی و دارای هماهنگی با سایر ارگانهای حکومتی
شکل عدالت آموزشی	توسعه برابر نظام آموزشی در هردو شکل درسی و تربیتی در سراسر کشور	دسترسی برابر آحاد مردم ایران به امکانات آموزشی و ریشه کنی بی‌سوادی	تجهیز برابر مدارس به امکانات آموزشی و تسهیل فرایند آموزش برای همه مردم در جهت تربیت اسلامی
فرایند توسعه مدارس غیردولتی	جلب کمک از سوی بخش خصوصی برای توسعه آموزش عمومی همراه با نظارت دولت	تقویت مشارکت بخش عمومی در توسعه آموزش همگانی	بازسازی فضای اداری در عرصه آموزش برای ورود بخش غیردولتی به عرصه آموزش

پیشینه شکل‌گیری مدارس خصوصی در ایران پس از انقلاب اسلامی به قانون تأسیس مدارس غیر انتفاعی مصوب ۱۳۶۷ (با ۲۱ ماده و ۱۵ تبصره) باز می‌گردد که فصل اول آن، کلیات یک نظام آموزشی مردم نهاد را توصیف می‌کند و هدف خود را استفاده از ظرفیت مردم در توسعه امر آموزش و کاهش هزینه‌های دولت بعد از جنگ با عراق مطرح می‌کند. در برنامه‌های توسعه اقتصادی نیز رد توجه مستقیم به آموزش دیده نمی‌شود و فقط به صورت کیفی به مقوله آموزش توجه شده است اما شاید بتوان گفت که از میان تمام برنامه‌های توسعه فقط برنامه اول توسعه است که دولت را به طور مستقیم ملزم به کاهش سطح آموزشی دولت و حضور دولت در تمام جوانب آموزشی می‌کند تا میدان برای بخش خصوصی در آموزش باز شود. قانون تأسیس و



اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی که به نوعی به روزرسانی شده قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مصوب سال ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی است، مشتمل بر ۳۹ ماده و ۴۴ تبصره است که در جلسه علنی ۱۴ آذر ۱۳۹۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۱۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. این قانون به صورت کلی، شرایط تأسیس و مدیریت مدارس غیردولتی را بیان می‌کند و ارگان‌های اصلی و مرتبط با اجرای این قانون را معرفی می‌نماید. هدف اصلی تصویب این قانون، در ماده ۱ این قانون آمده است که می‌گوید: «در راستای ارتقای جایگاه تعلیم و تربیت کشور ضمن تأکید بر ارتقای کمی و کیفی مدارس دولتی به منظور بهره‌گیری از مشارکت همگانی مردمی در امر آموزش و پرورش و تأسیس مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی و بهره‌گیری از ظرفیت قوانین بالادستی و مستند به سیاست‌های کلی ابلاغی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور از سوی مقام معظم رهبری و راهبردهای کلان و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، همچنین سند نقشه جامع علمی کشور با حفظ کارکردهای سیاستگذاری و نظارتی نظام، «سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی» وابسته به وزارت آموزش و پرورش تأسیس می‌گردد. رئیس این سازمان، معاون وزیر است». ماده ۲ این قانون به تعریف مفاهیم بیان شده در متن قانون پرداخته و از ماده ۳ تا ماده ۷، به دو شورا تحت عنوان «شورای سیاست‌گذاری، برنامه ریزی و نظارت مرکزی» و «شورای نظارت استانی، شهرستانی و منطقه‌ای» اشاره می‌شود که به سیاستگذاری و برنامه ریزی در سطوح ملی، استانی، شهرستانی و منطقه‌ای می‌پردازند. ماده ۸ و ۹ این قانون شرایط متقاضیان تأسیس مدارس غیردولتی را بیان داشته و از ماده ۱۰ تا ۲۰ نیز مسائل مالی و کمک‌های دولتی مطرح می‌شوند. از ماده ۲۰ تا ۲۴ نیز شرایط مدیران این مدارس مطرح می‌شود و از ماده ۲۵ تا ۲۷ نیز مواردی مانند بیمه و پرداخت حقوق مطرح می‌شوند و از ماده ۲۸ تا ۳۰ به مواردی مثل نحوه ثبت‌نام دانش‌آموزان و اولویت برخی دانش‌آموزان به سایر و محتوای درسی این مدارس اشاره می‌شود. در نهایت از ماده ۳۱ تا ۳۹ نیز مواردی مثل آیین‌نامه استقرار مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی، شرایط انحلال این مدارس و تأسیس این مدارس توسط اشخاص حقوقی، آیین‌نامه اجرایی قانون مصوب ۱۳۹۸/۴/۲۶ و منسوخ‌شدن قوانینی مثل قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی مطرح می‌شوند.

## روش تحقیق

در این مقاله سعی شده است از روش مثلث‌سازی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شود و شهر کرمان به عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شده است. این شهر که به نوعی در مرکز ایران نیز واقع شده است از جمله مهاجرپذیرترین شهرهای ایران است که از استان‌های همجوار سالانه تعداد قابل توجهی مهاجر به این شهر وارد می‌شوند. لذا مساله آموزش و پرورش در این شهر همواره اهمیت خاص دارد. شهر کرمان به صورت کلی شامل دو ناحیه آموزشی بوده و مطابق آمار رسمی دریافت شده از اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان، در ناحیه یک، ۱۲۶۰۱ دانش‌آموز ابتدایی، ۱۶۸۰۰ دانش‌آموز متوسطه دوره اول و ۱۴۳۷۰ دانش‌آموز متوسطه دوره دوم مشغول تحصیل می‌باشند و در ناحیه دوم، ۴۶۳۲۱ دانش‌آموز ابتدایی، ۱۸۰۷۷ دانش‌آموز متوسطه دوره اول و ۱۵۸۴۷ دانش‌آموز متوسطه دوره دوم درحال تحصیل می‌باشند و لازم به ذکر است که ناحیه اول تحصیلی شامل مناطق نسبتاً کم‌پرخوردارتر و ناحیه دوم شامل مناطق نسبتاً مرفه شهر کرمان می‌شود. در گام اول تحقیق سعی شد شاخص‌های عدالت آموزشی از نگاه رالز استخراج شود. در گام دوم این شاخص‌ها تبدیل به دال‌های پرسشنامه از والدین در مدارس دولتی و غیردولتی شهر کرمان قرار گرفت. هر پرسشنامه شامل ۱۵ سوال مبتنی بر سه اصل عدالت آموزشی است. پانزده سوال فوق در قالب نرم افزار porline با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و تصادفی با کمک مدیران مدارس در اختیار معلمان و والدین دانش‌آموزان مدارس مدنظر قرار گرفت. این پرسشنامه که بر اساس طیف لیکرت ۵ طراحی شده بود در مدارس غیردولتی توسط ۱۲۰ نفر از والدین مشاهده شد ولی تنها ۱۰۰ نفر به آن پاسخ دادند. در مدارس غیردولتی هم مورد مشاهده ۲۰۰ نفر از والدین قرار گرفت و

تنها ۱۱۰ نفر از والدین به آن پاسخ دادند. علی‌رغم تلاش نویسندگان، عدم مشارکت بیشتر والدین در پاسخ به این پرسش‌نامه از جمله محدودیت‌های این تحقیق را شکل داد. در گام بعدی؛ یافته‌های حاصل از پرسشنامه‌ها، تبدیل به دال مرکزی در سؤالات مصاحبه با مدیران مدارس دولتی و غیردولتی، کارشناسان و مدیران اداره آموزش و پرورش کرمان شد.

## یافته های تحقیق

### الف) دیدگاه والدین دانش آموزان مدارس غیر دولتی

**منابع فیزیکی:** مطابق داده‌های به دست آمده، ۵۴ درصد دانش آموزان کرمانی در مدارس غیردولتی، در کلاس‌هایی با گنجایش ۱۰ الی ۱۵ نفر به تحصیل مشغولند و به ترتیب ۱۵ درصد در کلاسهای با گنجایش ۱۵ الی ۲۰ نفر و ۳ درصد در کلاس‌هایی با گنجایش زیر ۱۰ نفر تحصیل می‌کنند اما ۲۴ درصد دانش آموزان در کلاس‌های بالای ۲۰ نفر تحصیل می‌کنند. در زمینه تعداد نیمکت‌های هر کلاس و امکانات فیزیکی و تعداد معلمان حاضر در مدارس غیردولتی، نیز ۷۶ درصد دانش آموزان مدارس غیردولتی، در کلاسهای تک‌نیمکتی حضور دارند و به ندرت دیده می‌شود که نیمکت‌های دو یا سه نفره در کلاس‌های این مدارس وجود داشته باشد؛ البته لازم به ذکر است که نیمکت‌های دو یا سه نفره ممکن است در کلاس‌های مقطع ابتدایی وجود داشته باشد. در زمینه امکانات تحصیلی موجود در مدارس غیردولتی نیز، مجموعاً ۸۷ درصد پاسخ‌دهندگان بیان داشته‌اند که این امکانات خوب یا عالی است، ۸۷ درصد پاسخ‌دهندگان از تعداد معلمان مدرسه رضایت کافی داشته‌اند و در انتها نیز ۶۷ درصد والدین دانش آموزان مدارس غیردولتی بیان کرده‌اند که امکانات مدارس غیردولتی از مدارس دولتی عادی سطح بسیار بهتری دارد.

**روابط اساسی میان معلم و دانش آموز:** نتایج نشان می‌دهد از آنجا که مدارس غیردولتی دستشان در استخدام معلمان باسواد و کارآمد بازتر است و لذا می‌توانند اقدام به استخدام بهترین‌ها نمایند. ۸۸ درصد والدین دانش آموزان از سواد معلم رضایت کافی دارند. در زمینه سطح صبوری معلم، وضع مشاوره تحصیلی و روابط کلی میان معلم و دانش آموز، ۶۰ درصد والدین رضایت کافی از صبوری معلم دارند، در حالی که مجموعاً قریب به ۲۰ درصد والدین بیان کرده‌اند که یا از صبوری معلم اطمینان ندارند یا به طور کلی، رضایتی در این امر از معلم فرزندشان ندارند. در زمینه مشاوره تحصیلی و روانی نیز داده‌ها حکایت از رضایت والدین دارد، به طوری که مجموعاً ۹۱ درصد والدین یا رضایت کافی داشته‌اند یا وضع مشاوره در مدرسه را متوسط قلمداد کرده‌اند که بیانگر رضایت نسبی والدین است و در زمینه توجهات برابر به دانش آموزان، ۶۵ درصد والدین اعتقاد به برابری در توجه به دانش آموزان دارند و در زمینه روابط کلی نیز، ۶۲ درصد والدین بیان داشته‌اند که رابطه میان معلم و فرزندشان رابطه‌ای دوستانه و صمیمی است. به طور کلی، مدارس غیردولتی در روابط اساسی، عملکردی قابل قبول دارد.

**برابری در منابع درسی:** در زمینه اشتیاق دانش آموز، کفه ترازو بیشتر به سمت اشتیاق زیاد دانش آموزان غیردولتی سنگینی می‌کند. ۸۰ درصد والدین دانش آموزان معتقدند فرزندشان اشتیاق زیادی به تحصیل دارد و به ترتیب، ۱۸ درصد اشتیاقی متوسط و عادی و فقط ۲ درصد بیان داشته‌اند که فرزندشان علاقه به تحصیل ندارد. در زمینه رضایت از برنامه‌های فوق برنامه، در مجموع، ۹۲ درصد والدین دانش آموزان سطح فوق برنامه را عالی و خوب ارزیابی کرده‌اند که بیانگر سطح بالای این مدارس در آماده‌سازی دانش آموزان است. اما در مورد رضایت از وقت‌گذاری معلم که به نوعی با سؤالات بخش روابط اساسی همپوشانی دارد؛ رضایت والدین بالاست و ۷۲ درصد والدین بیان داشته‌اند که از وقت‌گذاری معلمان در آموزش فرزندشان رضایت دارند. در زمینه امور تربیتی و پرورشی نیز ۳۴ درصد والدین رضایت دارند در حالی که ۳۸ درصد پاسخ‌دهندگان دچار تردیدند و مجموعاً ۲۹ درصد نیز بیان داشته‌اند که رضایتی در این عملکرد ندارند. در نهایت نیز، حدود ۷۸ درصد والدین نیز بیان داشته‌اند که از سطح یادگیری



فرزندشان در مدارس غیردولتی رضایت کافی دارند که این مورد، بازهم بیانگر فضای مناسب‌تر غیردولتی‌ها در آموزش دانش‌آموزان کرمانی است.

### (ب) نگرش والدین دانش‌آموزان مدارس دولتی کرمان

**منابع فیزیکی:** در زمینه جمعیت کلاسهای مدارس دولتی، والدین بیان داشته‌اند که جمعیت بین ۳۰ الی ۴۰ نفر جمعیتی عادی در کلاس‌های مدارس دولتی است؛ ۶۷ درصد بیان داشته‌اند که کلاسهای فرزندشان بین سی الی چهل نفر می‌باشند، ۲۰ درصد به جمعیت ۲۰ الی ۳۰ نفره اشاره کرده‌اند و ۶ درصد نیز بالای ۴۰ نفر. اما ۶ درصد دیگر نیز بیان داشته‌اند که کلاس‌هایی کمتر از ۲۰ نفر دارند که این پدیده بیشتر در مدارس دولتی برند و شناخته‌شده‌تر شهر کرمان دیده می‌شود. در زمینه تعداد نیمکت‌های حاضر در یک کلاس نیز، وضعیت بینابین است؛ ۶۱ درصد والدین بیان داشته‌اند که فرزندانشان در کلاس‌هایی با نیمکت‌های تکی حضور می‌یابند و به ترتیب، ۱۸ درصد نیمکت‌های با گنجایش ۳ نفر، ۱۵ درصد نیمکت‌های ۲ نفره و ۶ درصد نیز در نیمکت خود با ۳ نفر دیگر می‌نشینند که مورد آخر بیشتر در مدارس حاشیه شهر دیده می‌شود. در زمینه امکانات فیزیکی مدارس، کفه ترازو بیشتر به سمت عدم رضایت سنگینی می‌کند به طوری که ۴۰ درصد پاسخ‌دهندگان به عدم کارایی امکانات اشاره می‌کنند و ۳۷ درصد نیز رای به متوسط بودن امکانات داده‌اند. این عدم رضایت، نشانگر کمبود امکانات کافی برای مدارس دولتی و عدم پاسخگویی این امکانات برای جمعیت زیاد این مدارس می‌باشد. در زمینه تعداد معلم نیز به نظر می‌رسد کمیت مشکل چندان حادی در این مدارس نیست و ۵۷ درصد والدین بیان کرده‌اند که از تعداد معلمان رضایت کافی دارند و ۱۴ درصد نیز بیان کرده‌اند که معلمان مدرسه کافی نمی‌باشند و ۶ درصد نیز بیان کرده‌اند که مدرسه اخیراً دچار کمبود معلم شده است و در نهایت نیز، ۵۷ درصد والدین بیان کرده‌اند که مدارس غیردولتی امکانات بهتری نسبت به دولتی‌ها دارند و ۱۳ درصد نیز این امکانات را بهتر از غیردولتی‌ها بیان داشته‌اند. در کل، پاسخ‌های والدین نشان می‌دهد که مدارس دولتی کرمان، دچار کمبود مکان و امکانات می‌باشند و وضعیت نیز به نوعی نابرابر و غیرعادلانه می‌باشد.

**روابط اساسی معلم و دانش‌آموز:** در زمینه سطح سواد معلم، نظرات والدین بینابین و تا حدودی مثبت است به طوری که مجموعاً ۸۴ درصد والدین بیان داشته‌اند که سطح سواد معلم یا متوسط است یا در حد خوب و قابل قبولی است و اگر توانایی ارائه خوب مطالب را نیز ندارند، بیشتر به توانایی مدیریت جمعیت زیاد دانش‌آموزان دولتی برمی‌گردد. اما در زمینه توانمندی روحی و صبوری مناسب، اندکی شرایط نامناسب است به طوری که مجموعاً ۶۹ درصد والدین دانش‌آموزان یا توانایی معلم در صبوری نسبت به دانش‌آموز را ضعیف خوانده‌اند یا اطمینانی از رفتار درست معلم ندارند. در زمینه مشاوره تحصیلی روانی نیز وضعیت چندان مثبت نیست و مجموعاً ۶۰ درصد والدین یا از کیفیت مشاوره تحصیلی روانی فرزندشان رضایت ندارند یا آن را در سطحی متوسط قلمداد می‌کنند که بیانگر دست خالی دولت در تأمین مشاوره تحصیلی روانی کافی برای دانش‌آموزان است. در زمینه تعاملات میان معلم و دانش‌آموز، نظرات بیانگر این موارد است: یا توجه به دانش‌آموزان برابرست یا دانش‌آموزان قوی‌تر بیشتر دیده می‌شوند. مطابق داده‌ها، ۴۵ درصد والدین اطلاعی از نحوه برخورد معلم با فرزندشان ندارند و مجموعاً ۴۰ درصد بیان داشته‌اند که برخورد معلم یا برابر است یا توجه بیشتری به دانش‌آموزان قوی‌تر می‌شود. در زمینه رابطه دانش‌آموز با معلم، ۳۹ درصد والدین بیان کرده‌اند که رابطه میان معلم و فرزندشان عادی است و نشانه‌ای از تنش در این میان وجود ندارد و ۳۳ درصد نیز اطلاعی از روابط میان دانش‌آموز و معلم ندارند و ۱۷ درصد نیز رابطه میان فرزندشان با معلمان را دوستانه و صمیمانه قلمداد کرده‌اند که بیانگر کمبود تنش در این مدارس است.

**برابری در منابع درسی:** در زمینه اشتیاق دانش آموزان دولتی، به نظر می‌رسد که دانش آموزان برای تحصیل و پیشرفت علاقه زیادی دارند؛ به طوری که مجموعاً ۷۷ درصد والدین دانش آموزان بیان داشته‌اند که سطح اشتیاق یا متوسط یا زیاد است و کفه ترازو به سمت علاقه زیاد طبقات پایین جامعه به تحرک اجتماعی سنگینی می‌کند. اما در موارد بعد، کمبود وقت شدیداً روی عقب‌ماندن دانش آموزان دولتی نسبت به غیردولتی‌ها تأثیر دارد. مجموعاً ۷۰ درصد والدین دانش آموزان بیان کرده‌اند که از اقدامات فوق برنامه مدرسه رضایت کافی ندارند یا عملکرد متوسط است و همچنین کمبود وقت روی راندمان کاری معلم نیز تأثیر داشته است؛ به طوری که مجموعاً ۵۴ درصد والدین از وقت گذاشتن معلم برای رفع اشکالات دانش آموزان رضایت کمی دارند یا اصلاً رضایت ندارند. در زمینه امور تربیتی نیز، رضایت‌ها اندک است و ۳۶ درصد والدین از اقدامات پرورشی تربیتی مدرسه رضایت کافی ندارند و ۳۲ درصد نیز متوسط ارزیابی کرده‌اند. در کل، ارزیابی از یادگیری دانش آموزان دولتی نیز ضعیف است و مجموعاً ۴۳ درصد والدین بیان داشته‌اند که فرزندشان یا در یادگیری مشکل دارد و یا اصلاً از یادگیری فرزندشان رضایت کافی ندارند.

جدول ۲. مقایسه نگرش والدین دانش آموزان مدارس غیردولتی و دولتی در شاخص منابع فیزیکی

مدارس دولتی (درصد)	مدارس غیر دولتی (درصد)	شاخص منابع فیزیکی
-	۳	کمتر از ۱۰ نفر
۲۱	۵۴	۱۰ تا ۱۵ نفر
۶	۱۵	۱۵ تا ۲۰ نفر
۶۷	۲۴	بیش از ۲۰ نفر
۶	-	بیش از ۴۰ نفر
۶۱	۷۶	۱ نفره
۱۵	۲۴	۲ نفره
۱۸	-	۳ نفره
۶	-	۴ نفره
۴۰	-	ضعیف
۳۷	۲۳	متوسط
-	۸۷	خوب
۵۷	۸۷	رضایت
۱۴	۱۳	عدم رضایت
۶	-	کمبود معلم در مدرسه

جدول ۳. مقایسه نگرش والدین دانش آموزان مدارس غیردولتی و دولتی در شاخص روابط اساسی میان معلم و دانش آموز

مدارس دولتی (درصد)	مدارس غیر دولتی (درصد)	شاخص روابط اساسی میان معلم و دانش آموز
۸۴	۸۸	رضایت
۱۶	۱۲	عدم رضایت
۱۷	۶۰	رضایت
۶۹	۲۰	عدم رضایت
۱۴	۲۰	عدم اطمینان
۴۰	۹۱	رضایت
۶۰	۹	عدم رضایت
۴۰	۶۵	برابری
۱۵	۱۳	عدم برابری
۴۵	۲۲	عدم اطمینان
۱۷	۶۲	دوستانه
۳۹	۲۲	عادی
۳۳	۱۶	عدم اطلاع

جدول ۴. مقایسه نگرش والدین دانش‌آموزان مدارس غیردولتی و دولتی در شاخص برابری منابع درسی

دولتی(درصد)	غیر دولتی(درصد)	شاخص برابری در منابع درسی	
۶	۲	کم	سطح اشتیاق به تحصیل
۱۷	۱۸	متوسط	
۷۷	۸۰	زیاد	
۳۰	۹۲	رضایت	فوق برنامه مدارس
۷۰	۸	عدم رضایت	
۳۲	۳۴	رضایت	اقدامات پرورشی
۳۲	۳۸	تردید	
۳۶	۲۹	عدم رضایت	
۵۷	۷۸	رضایت	یادگیری
۴۳	۱۸	عدم رضایت	
۴۶	۷۲	رضایت	وقت‌گذاری معلم برای رفع اشکال
۵۴	۲۸	عدم رضایت	

با توجه به اینکه داده‌های حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد که تفاوت قابل توجهی در معیارهای هر سه شاخص اصلی عدالت آموزشی در شهر کرمان وجود دارد، این یافته‌ها تبدیل به دال‌های اصلی مصاحبه با ذی‌نفعان، کارشناسان و متخصصان در مدارس غیر دولتی و دولتی و اداره آموزش و پرورش شهر کرمان شده است تا بتوانیم به این سؤال پاسخ دهیم که آیا قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی بر تحقق عدالت آموزشی تأثیر دارد؟ علی‌رغم مشکلات، امکان مصاحبه با ۶ نفر فراهم شد که مشخصات اصلی مصاحبه‌شوندگان نزد نویسندگان مقاله محفوظ مانده است و از نام مستعار برای آنها به شرح جدول زیر استفاده شده است:

جدول ۵. مصاحبه‌شوندگان تحقیق

عنوان مصاحبه‌شونده	سمت
X1	کارشناس اداره مدارس غیردولتی و مشارکتهای مردمی آموزش و پرورش استان کرمان
X2	کارشناس اداره مدارس غیردولتی و مشارکتهای مردمی آموزش و پرورش استان کرمان
X3	کارشناس اداره مدارس غیردولتی و مشارکتهای مردمی آموزش و پرورش استان کرمان
X4	مدیریت مدرسه غیردولتی
Y1	مدیریت مدرسه دولتی
Y2	مدیریت مدرسه دولتی

از مجموع مصاحبه‌های انجام شده به یافته‌های زیر دست یافته شد:

### الف) توسعه فضای آموزشی

مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که توسعه مدارس غیردولتی، منجر به باز شدن فضای آموزشی بیشتر برای دانش‌آموزان مدارس دولتی می‌شود و این یعنی تحقق همان ماده اول قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی که یکی از اهداف تصویب این قانون توسط مجلس، استفاده از ظرفیت مشارکتهای مردمی برای توسعه آموزش در سطح کشور و همچنین، کارآمدتر کردن سیستم آموزشی دولتی می‌داند. این امر به خودی خود به افزایش کیفیت تدریس در مدارس دولتی کمک خواهد کرد و زمینه برای تحقق عدالت آموزشی فراهم خواهد شد. بنابراین یکی از مصاحبه‌شوندگان، «ما در کشور بیشتر دچار کمبود

فضای آموزشی برای دانش‌آموزان هستیم. خصوصاً در شهری مثل شهر کرمان که شهر مهاجرپذیری نیز می‌باشد، ما شاهد این امر هستیم که از استان‌های همسایه مثل سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی، مهاجرت‌های متعددی انجام می‌شود و با این مهاجرت‌ها، شهرک‌نشینی اطراف شهر نیز توسعه می‌یابد مانند شهرک پدر یا شهرک شهید مطهری و با آنکه فضای آموزشی خوبی در این شهرک‌ها ساخته شده ولی باز جواب‌گوی جمعیت ساکن در این شهرک‌ها نیست. خب با توجه به این مساله که افراد متمکنی در این شهرک‌ها حضور دارند، مدارس غیردولتی نیز در سطح این شهرک‌ها تعبیه شده تا فرزندان افراد متمکن نیز از حوزه‌های دولتی استفاده نکنند و به سمت غیردولتی‌ها بروند تا افرادی که تمکن مالی ندارند بتوانند از این خدمات مدارس دولتی بهره‌مند شوند». ایراد اساسی دیگری که در سطح شهر کرمان خود را نشان می‌دهد، فرسودگی مکانهای آموزشی دولتی در سطح شهر است و در کنار این عدم‌ایمنی، جمعیت زیاد کلاس‌های مدارس دولتی علاوه بر خطرات ایمنی، کیفیت آموزش معلمان را نیز پایین می‌آورد. در همین زمینه، یکی از کارشناسان اداره مدارس غیردولتی و مشارکت‌های مردمی کرمان چنین بیان می‌دارد: «شما در نظر داشته باشید هر ساختمان مدارس کلاً ۱۰ سال ظرفیت و توانایی استفاده‌شدن را داراست و بسیاری از ساختمانهای مدارس دولتی ما بشدت فرسوده‌اند و بعضاً از برخی مدارس نیز به مدت هفتاد سال استفاده کرده‌ایم و با توجه به زلزله‌خیز بودن شهر کرمان، ما هم اکنون دچار مشکل می‌باشیم. اکنون مدارس غیردولتی در حال ساخت مدرسی با ۲۰ کلاس در فضای باز هستند و همین امر کمک مهمی به مدارس دولتی سطح شهر است». دلیل دیگری که در مزیت توسعه مدارس غیردولتی بیان شد، این است که هرچقدر سرانه جمعیتی کلاسهای مدارس دولتی و غیردولتی پایین‌تر باشد، معلمان مدارس بهتر می‌توانند مطالب درسی را ارائه‌داده و آموزش باکیفیت‌تری را نیز به دانش‌آموزان ارائه دهند. در همین زمینه، مدیریت مدرسه غیردولتی در مصاحبه چنین بیان می‌دارند: «درکل، با توجه به شرایط موجود طبیعی است که مدارس غیردولتی برون‌داد و نتیجه بهتری نسبت به مدارس دولتی داشته باشند؛ چرا که تعداد دانش‌آموزان مدارس غیردولتی کمتر از مدارس دولتی است... به طور کلی جمعیت کمتر در هر کلاس، به نفع خود دانش‌آموزان مدرسه است و توان معلم نیز در تدریس بیشتر می‌شود؛ بالاخره معلم نیز انسان است و جمعیت زیاد می‌تواند توان معلم را به تحلیل ببرد». در حالی که مهمترین مسئله در زمینه توسعه مدارس غیردولتی، سرانه جمعیتی و تأمین مکان کافی برای دانش‌آموزان مدارس دولتی است؛ اما مدیران محترم مدارس دولتی معتقدند که قانون یادشده به درستی اجرا نشده است و این قانون در عین مزایا، معایبی نیز مانند کوچ دانش‌آموزان مستعد به مدارس غیردولتی دارد. اگرچه گفته می‌شود که یکی از اهداف توسعه مدارس غیردولتی، کمترشدن سرانه جمعیت مدارس دولتی عادی است ولی جداسدن دانش‌آموزان طبقات متوسط و طبقات بالا از طبقات پایین و محروم شهر خود عامل کاهش کیفیت دانش‌آموزان مدارس دولتی می‌شود. اگرچه مطابق قانون نوسازی مدارس، در ازای هر خروجی، هزینه هر دانش‌آموز خارج شده از مدرسه دولتی، خرج بازسازی و نوسازی امکانات مدرسه می‌شود ولی این خروج نوعی آسیب است و سطح کیفی مدرسه پایین می‌آید. مسئله دیگری که هدف اصلی این قانون را تحت تأثیر قرار می‌دهد بحث تورم اقتصادی کشور است. در حالی که یک مدرسه دولتی ظرفیت ۳۰۰ تا ۴۰۰ دانش‌آموز دارد و به سبب تأسیس مدارس غیردولتی می‌بایست از جمعیت این نوع مدارس کم شود یا حداقل در طول سال‌ها ثابت بماند، ما شاهد افزایش جمعیت مدارس دولتی بعضاً به ۶۰۰ تا ۷۰۰ دانش‌آموز هستیم که به گفته یکی از مدیران مدارس دولتی علت آن قیمت معقول شهریه مدرسه در طوفان تورم اقتصادی کشور است و لذا بسیاری از خانواده‌هایی که در سال‌های قبل می‌توانستند فرزندان خود را به مدارس غیردولتی بفرستند اکنون خواهان ثبت‌نام آنها در مدارس دولتی هستند.

## ب) حمایت غیردولتی‌ها از دولتی‌ها

کارشناسان اداره مدارس غیردولتی و مشارکت‌های مردمی کرمان بر این باورند که مدارس غیردولتی سالانه تعدادی از دانش‌آموزان بی‌بضاعت را برای تحصیل رایگان در مدارس خود می‌پذیرند یا با کمک به مدارس دولتی، عده‌ای از دانش‌آموزان بی‌بضاعت را در

برخی مدارس هیات امنایی بورسیه می‌کنند. نوع دیگر کمک‌های مدارس غیردولتی، به اشتراک‌گذاری ظرفیت و توانمندی‌های مدارس غیردولتی با مدارس دولتی در قالب همکاری‌های یک‌ساله است. به زعم یکی از مصاحبه‌شوندگان، «... با شهریه و وام‌هایی که مدارس غیردولتی دریافت می‌کنند، مبلغی را برای پوشش دانش‌آموزان بی‌بضاعت در مدرسه خود اختصاص می‌دهند؛ برای مثال، ما طرح‌هایی را نیز برای تحت پوشش قراردادن دانش‌آموزان بی‌بضاعت نیز در همکاری با سایر نهادهای متولی امر در نظر گرفته‌ایم؛ مانند طرح ایران همدل که با همکاری کمیته امداد امام خمینی و آموزش و پرورش انجام می‌شود. بر اساس این طرح، با شناسایی دانش‌آموزان با استعداد و دارای پتانسیل مناسب که بضاعت مالی مناسبی ندارند، این دانش‌آموزان به مدارس غیردولتی معرفی می‌شوند و تا ۳۰ درصد نیز در مدارس غیردولتی و مدارس هیأت‌امنایی جذب شده و همچنین از دادن هزینه‌های اضافی نیز معاف می‌گردند». اما به نظر می‌رسد که همه مدارس دولتی سطح شهر از این طرح‌ها بهره‌مند نمی‌باشند؛ مثلاً مدیران مدارس دولتی در مصاحبه‌های خود به نوعی بیان داشتند که از این طرح‌های یاد شده اطلاع ندارند یا شاید این اقدام اختیاری است؛ اما اگر مصوباتی باشد که مثلاً مدارس غیردولتی مانند سمپاد، معلم خود را در اختیار مدارس عادی دولتی نیز بگذارند، شاید بتوان به نوعی از آموزش باکیفیت این مدارس نیز استفاده کافی برد. در کل به نظر مدیران مدارس دولتی، موارد یاد شده می‌تواند منحصر به تعدادی از مدارس حاشیه شهر باشد و همه مدارس دولتی سطح پایین را در بر نمی‌گیرد.

### ب) نابرابری در تدریس منابع درسی

نکته مهم و قابل توجهی که در زمینه نابرابری آموزش منابع درسی بدان اشاره شد، نقش کنکور در تعمیق این نابرابری میان مدارس دولتی و غیردولتی است. کارشناسان اداره مدارس غیردولتی و شرکت‌های مردمی آموزش و پرورش کرمان، در این زمینه معتقد بودند کنکور عامل تشدیدکننده این نابرابری است چرا که در سال‌های اخیر کنکور از منابع درسی فراتر رفته است و به طور نامناسبی، آموزش در ایران با موفقیت در کنکور سنجیده می‌شود. ولی مدیران مدارس دولتی به سه نکته متفاوت اشاره دارند: نابرابری در تخصیص معلمان برند و باسابقه، منابع سطح بالاتر از منابع درسی رسمی و کمبود زمان کافی سه عامل اصلی در نابرابری آموزشی است. این مدیران معتقد بودند که مدارس غیردولتی، به دلیل زمان بیشتر، اقدام به تدریس منابعی بالاتر از حد منابع درسی رسمی می‌کنند و حتی گاهی برای کلاسهای درس رسمی خود و کلاسهای فوق برنامه، اقدام به استخدام معلمان پروازی کرده و آماده‌سازی بهتری را برای دانش‌آموزان خود انجام می‌دهند؛ در حالی که مدارس دولتی، تنها توانایی ارائه کلاسهای درسی رسمی خود را دارند و بدلیل کمبود زمان و بدلیل منابع محدودتر و همچنین بدلیل تخصیص نابرابر معلمان باسابقه، نمی‌توانند همان آموزش رسمی خود را نیز به خوبی ارائه دهند و برای همین، لازم است تا طرح‌هایی در دستور کار قرار گیرد که معلمان باسابقه بخشی از وقت خود را نیز به مدارس دولتی، خصوصاً مدارس حاشیه شهر اختصاص دهند.

### ت) عملکرد بهتر غیردولتی‌ها در امور تربیتی و پرورشی

بر اساس نظر کارشناسان اداره مدارس غیردولتی و مشارکت‌های مردمی کرمان، دست مدارس دولتی در تأمین نیروی پرورشی، تربیتی و ارزشی تقریباً بسته است و امور تربیتی مانند مسئله تأمین معلم نیست که به راحتی قابل مشاهده باشد. مدارس غیردولتی به دلیل منابع نسبتاً بیشتری که در اختیار دارند، در تأمین مربی پرورشی و مهم‌تر از آن، مشاور روانی تحصیلی دست بازتری دارند و بیشتر این مدارس دارای مشاوران روانی تحصیلی در تمام روزهای هفته‌اند ولی مدارس دولتی بدلیل کمبود نیروی تحت خدمت برای وزارت آموزش و پرورش، قادر نیستند که مشاور تحصیلی روانی را به صورت کامل در اختیار داشته باشند و اکنون نیز به گونه‌ای مقرر شده که مشاوران تحصیلی روانی اغلب در مدارس دولتی متوسطه نوبت اول حضور داشته باشند که حضور آنها نیز میانگین دو ساعت در هفته است و این ساعت کم، هرگز کمکی به اوضاع روانی و تحصیلی دانش‌آموزان نخواهد کرد. در زمینه

مسائل تربیتی- پرورشی نیز در عین یکسان بودن برنامه‌های مدارس دولتی و غیردولتی، باز هم برون داد غیردولتی‌ها بدلیل منابع بیشتر، قابل قبول تر است.

### ح) روابط اساسی بهتر میان معلمان و دانش آموزان غیردولتی

این مورد یعنی ارتباط میان معلم و دانش آموز، به نوعی با دال اول یعنی سرانه مکانی ارتباط دارد. در مدارس غیردولتی، همه در زمینه روابط میان معلم و دانش آموزان خود به یک نکته مهم اشاره کردند: «نظارت زیاد متولیان مدرسه و والدین دانش آموزان بر عملکرد اخلاقی و علمی معلم». مدارس غیردولتی، بدلیل خودگردان بودن، دست بازتری در استخدام معلم دارند و پس از برخی گزینش‌ها، معلم مدنظر خود را استخدام می‌نمایند اما بر روند کار وی مانند نحوه تدریس و نحوه برخورد با دانش آموزان نیز نظارت کامل دارند و این نظارت از سمت والدین دانش آموزان نیز مشاهده می‌شود؛ برای همین، معلمان کاملاً مواظب هستند که به صورتی کارآمد مطالب درسی را ارائه کنند و برخوردی مناسب و دوستانه نیز با دانش آموزان داشته باشند. نکته دیگر، کنترل راحت‌تر کلاسهای درس توسط معلمان مدارس غیردولتی است. این مدارس بدلیل اینکه اغلب جمعیت کم در خود دارند، کلاسهای خلوت‌تری نیز در اختیار دارند و همین امر، کنترل کلاس توسط معلم را راحت‌تر می‌کند. اما در مدارس دولتی، وضع اندکی فرق دارد. مطابق گفته‌های مدیران مدارس دولتی، روابط اساسی میان معلم و دانش آموز به نوعی به همان مسئله سرانه جمعیتی کلاس‌ها برمی‌گردد که بر این اساس، معلمان مدارس دولتی، در کلاس‌هایی با جمعیت زیاد حضور دارند که دانش آموزانی با فرهنگ‌های مختلف را شامل می‌شوند و همین جمعیت زیاد، نیازمند صبوری بالا برای مدیریت کلاس می‌باشد و به همین دلیل، بیشتر انرژی معلمان در جهت کنترل دانش آموزان صرف می‌شود و دیگر توانی برای کنترل کلاس و تدریس برای معلم باقی نمی‌ماند.

### نتیجه‌گیری و توصیه سیاستی

اگرچه قانون تاسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی مصوب ۱۳۹۵ در تلاش برای رفع یکی از مشکلات اصلی نظام آموزش و پرورش ایران یعنی کمبود سرانه فضای دولتی آموزشی سعی کرده است از بخش خصوصی کمک بگیرد اما یک‌سونگری در این امر نه تنها مشکل اصلی را بر طرف نکرده است بلکه بر مشکلات قبلی هم افزوده است. به زعم خبرگان آموزشی، توسعه فضای آموزشی خصوصی منجر به شکل‌گیری فضای رقابتی غیرعادلانه در مسیر آموزشی دانش آموزان شده است که این بی‌عدالتی آموزشی در بلندمدت تبعات خاص خود از جمله افزایش شکاف و فاصله طبقاتی را به همراه دارد. به نظر می‌رسد ضعف در تشخیص راه‌حل‌های بهتر و عدم قانون‌گذاری مناسب چهره عدالت آموزشی را زخمی کرده است. در سال‌های اخیر تمایل خانواده‌ها به استفاده از امکانات آموزشی غیردولتی برای فرزندانشان افزایش یافته است که می‌توان گفت تبلیغات در خصوص تضمین آینده تحصیلی در این مدارس علت اصلی آن است اما در عین حال می‌توان گفت تعمد یا کم‌توجهی دولت‌ها به مسئله تجهیز و تقویت مدارس دولتی در همه مناطق به خصوص مناطق توسعه‌نیافته که دارای تراکم دانش‌آموزی بیشتر هستند، حکایت از آن دارد که دولت درصدد تحمیل هزینه و بار آموزش به بخش خصوصی است. این در حالی است که ساختن آینده کشور و تربیت نسل شایسته، نیاز به صرفه جویی ندارد. با وجود اینکه در ایران تعداد دانش‌آموزان مدارس غیردولتی نسبت به کل جمعیت دانش‌آموزی ایران در مدارس دولتی اندک است اما می‌توان گفت این روند رو به گسترش با زیر سؤال بردن ساختار و سطح علمی و کیفیت کادر آموزشی مدارس دولتی از یک سو و تقویت امور بخش آموزشی نسبت به امور تربیتی و پرورشی از سوی دیگر، منجر به گسترش نگاه سودمحور در مدارس غیردولتی شود و مدارس داری تجارتمندی پر سود ارزیابی شود. اگرچه این سخن به معنای نفی تلاش مؤسسان مدارس غیردولتی برای ارائه خدمات آموزشی استاندارد نیست، اما واضح است که طی سال‌های اخیر فضای حاکم بر بسیاری از مدارس غیردولتی به سمت حاکمیت و غلبه نامتوازن آموزش نسبت به پرورش تغییر کرده است. اگرچه وجود مدارس



غیردولتی ضروری است و با اصل وجود این مدارس مخالفتی نیست اما نویسندگان مقاله بر این باور هستند شاید توصیه‌های زیر بتواند تا حدی به کمرنگ شدن فضای ناعادلانه آموزشی به خصوص در مناطق توسعه‌نیافته و یا کم‌توسعه‌یافته در ایران کمک دو چندان کند:

- افزایش مشوق‌های مالی - مالیاتی برای خیرین مدرسه‌ساز
- الزام معلمان خیره و باتجربه به انجام نیمی از ساعت کار هفتگی خود در مدارس دولتی به‌ویژه در حاشیه‌های شهرها و یا شهرهای توسعه‌نیافته
- الزام مؤسسات خصوصی آموزشی به حمایت مستمر از دانش‌آموزان نخبه در مناطق محروم به صورت برنامه سالانه و همراه با نظارت مستقیم و پیوسته اداره آموزش و پرورش هر شهر
- تشویق صنایع و تولیدکنندگان و بازرگانان بخش خصوصی به همراهی بیشتر با مدارس دولتی در هر شهر به‌خصوص شهرهای مناطق کم‌توسعه‌یافته یا محروم.

## References

1. Akhavan kazemi, M., Visi, S. (2011), "Rawls and international justice", Research letter of Political Science, No 7. [In Persian]
2. Afrogh, E. (2003) "Analysis and criticism of John Rawls' view on justice". Journal of Political Science of Bagheral Uloom University. [In Persian]
3. Basshiriye, H. (2019). History of political ideas in the 20th century. Nashrenyeh, Tehran. [In Persian]
4. Vaezi, A. (2005) "The theory of justice in the thought of David Hume", scientific research quarterly of Qom University. [In Persian]
5. Rawls, J. (2008). Justice theory. Research Institute of Cultural and Social Studies, Tehran. [In Persian]
6. Yargholo, B. (2014). "Investigating the place of education and educational justice in John Rawls' theory of justice", modern educational ideas, Alzahra University, No 10. [In Persian]
7. Abbasi, V. "John Rawls and the dependence of ethics on contractarianism", Research Quarterly Research Journal of Ethics Research. No 3. [In Persian]
8. Nadera, E., Nemati, M. (2012). "Criticism and review of the foundations and methodology of John Rawls' theory of justice", scientific-research quarterly of Islamic economic studies. No 5. [In Persian]
9. Mahmodi, A. (2017). "Philosophy of Harmony of Liberty and Equality in John Rawls's Theory of Justice", Political Science Journal. No. 12. [In Persian]
10. Beattie, C. (1982). Rawls and the Distribution of Education, Canadian journal of Education, Vol. 7, No 3.
11. Brighouse, H and Swift, A. (2014): The place of educational equality in educational justice, Education, Justice and Human good: Fairness and equality in the education system, Edited by Kirsten Meyer.
- 12.
13. Pavie, A.; Olympio, N.; Hache, C. (2021). Social Justice in Priority education: conceptions and operationalisations in the context of a scheme to promote excellence, Education et societies, volume 46, Issue 2.
- 14.
15. Rawls, J. (2000). Justice as fairness; Harvard University Press .
16. Stein, Z. (2016). Social justice and educational measurement, New York, NY: Routledge.
17. Pijanowski, J. (2015): Reconciling Educational Adequacy and Equity Arguments Through a Rawlsian Lens, journal of Education policy, Spring .